

به نام خدا

فرهنگ عمومی و کرامت انسانی

مدیریت تولید و تقاضای محصولات فرهنگی

سواد رسانه ای

صیانت از میراث فرهنگی

مدرس: وهاب کریمی

فرهنگ و اهمیت آن در زندگی و توسعه

و مفاهیم فرهنگ:

رده های ذهنی، موسیقایی، هنری و ادبی(فرهنگ فاخر یا برتر)

س کلی حیات یک جامعه شامل ارزشها، عملکردها، نمادها، نهادها و روابط انسانی (شیوه زندگی فردی و اجتماعی)؛

مقوله کاملاً ذهنی و بر مبنای ارزش ها، نگرشها، باورها، سوگیری ها و فرضیات رایج در میان افراد یک جامعه؛

نگ همواره نرم افزار است و تمدن سخت افزار؛

نگ ان چیزی است که مردم همواره با آن زندگی می کنند؛

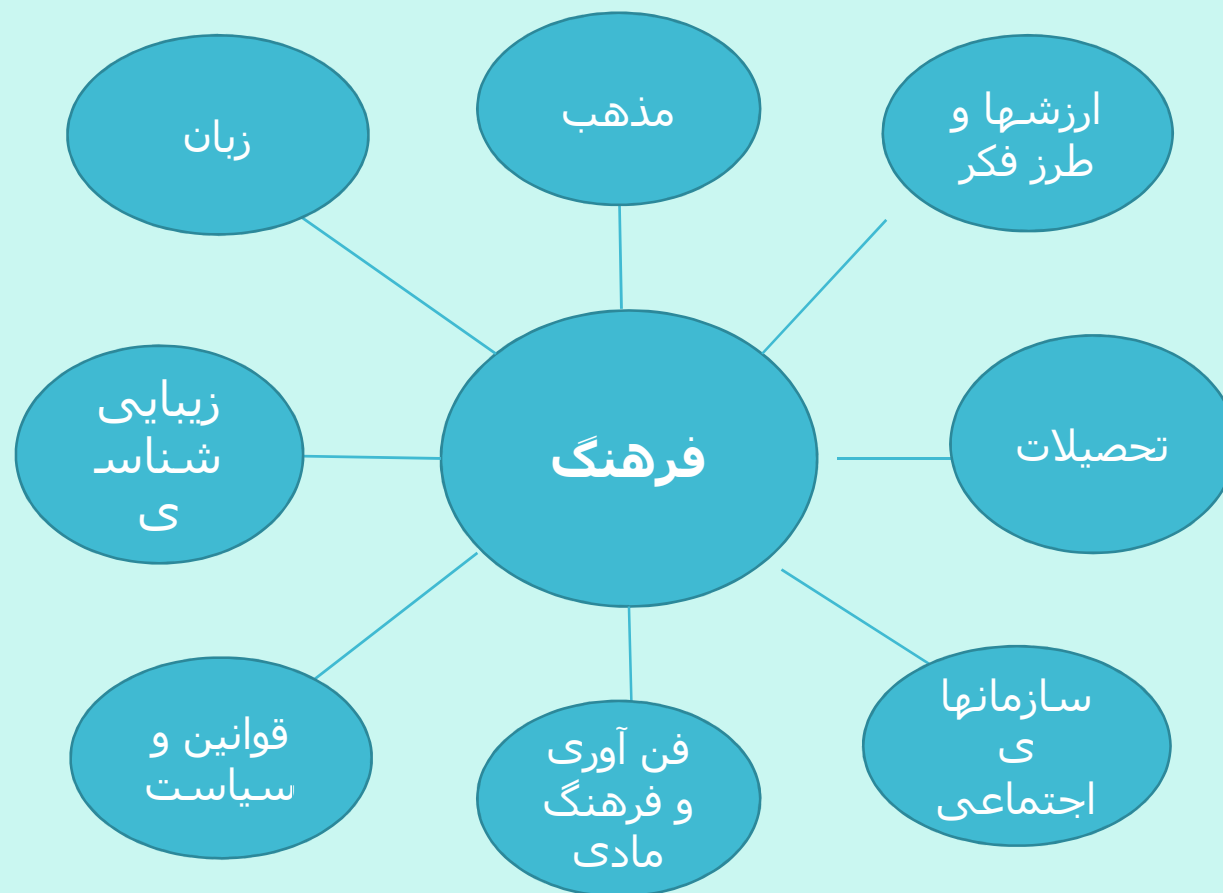
موعه پیچیده ای از دانش ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هر آنچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می
د(ادوارد تایلور)؛

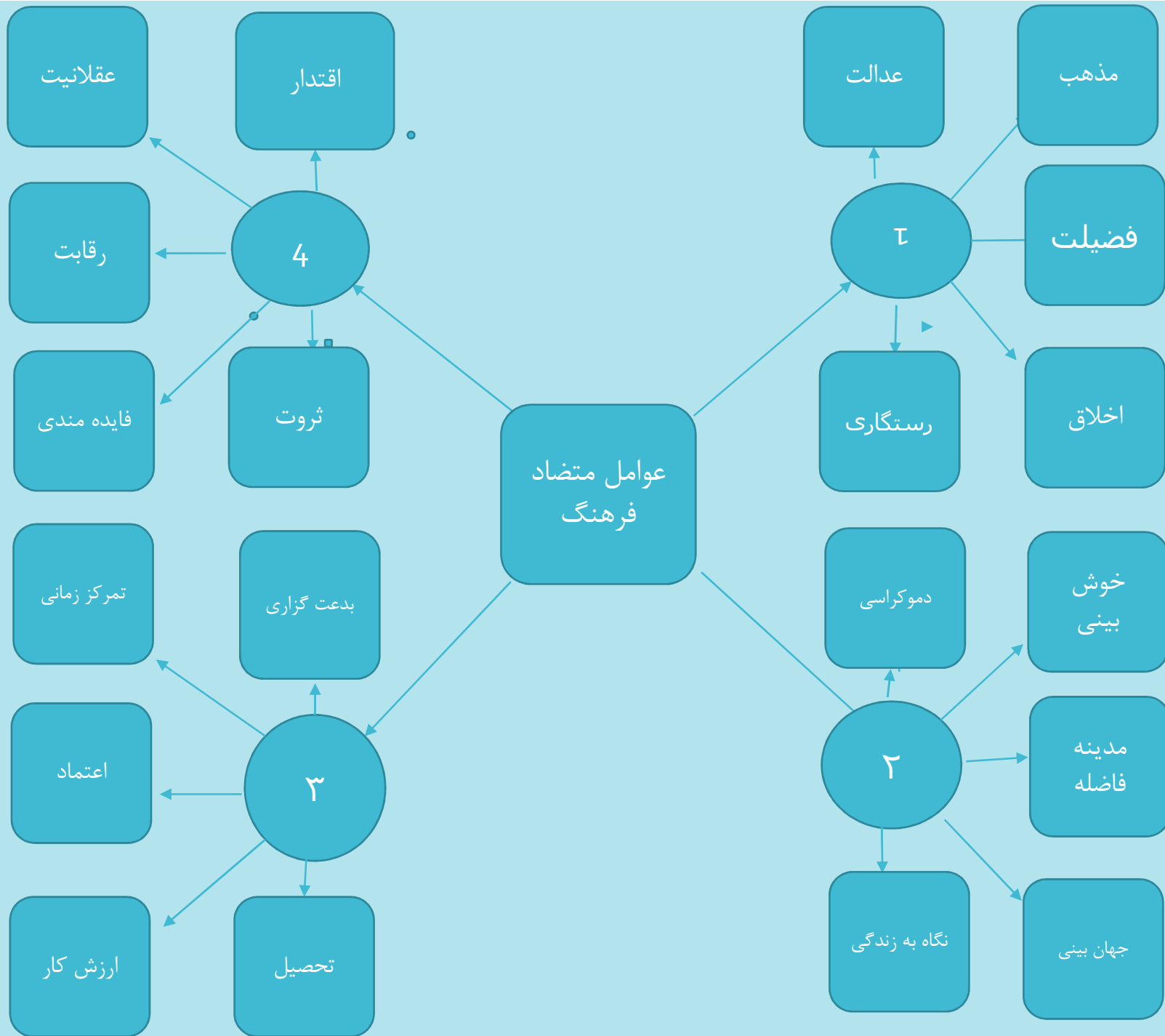
نگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است و در بر گیرنده سازگاری کلی با نیازهای غریزی و فطری و اقت
حیط جغرافیایی پیرامون می باشد؛

مان مشترکی که برای فرو نشاندن نیازهای اجتماعی و سیاسی است که از محیط پیرامون برخاسته اند، پیدا شده است.

مشترکی از اندیشه ها و دستاوردها.

عناصر فرهنگ





• الگوی فرهنگی و توسعه؛

ریشه همه تمایزها است

از نظر فرهنگی توانایی همدردی، مهربانی و حتی عشق را دارند؛

با علیرغم مقاومت های محیط توانایی غلبه بر چالش ها را دارند؛

با توان حفظ عقاید، ارزشها و نهادهای ملی خود را دارند؛

جغرافیایی از جمله بهره مندی از منابع و نیز شرایط اقلیمی عناصری مهم در تعیین ثروتمندی یا فقر ملتها هستند بنابراین بحث فرهنگی بدلیل تفاوت های محیطی است
لر برناردو آروالو (جامعه شناس گواتمالایی) ما دارای سخت افزار دموکراسی، اما نرم افزار اقتدار گرایی هستیم»

شدن تصمیم گیرندگان نسبت به واقعیت‌های فرهنگی در تدوین و اجرای
ستها و برنامه‌ها؛

تغییراتی در مدارس، مساجد، سیاست‌ها و محیط‌های کاری؛

تغییر عواملی که در فرهنگ جامعه می‌توانند به رفاه، سعادت‌مندی و یک زندگی
درست منجر شوند و درک اینکه برای اعمال چنین تغییراتی چه کارهایی باید
انجام دهند؛

تغییرات ارزشی و رفتاری در متن سیاست‌ها، و برنامه‌ریزی و طراحی توسعه
چه؛

تغییر ساختن تأثیرات مثبت و منفی ارزشها و نگرشها بر تحول و تکامل نهادهای
سیاسی، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی؛

تغییر عوامل اصلی در تحول و تغییر ارزشها و نگرشها در زمینه‌های تربیت فرزندان،
سیاسی، کلیساها، رسانه‌های گروهی، گروه‌های هم‌تأثیر، محیط کار و مصونیت
اجتماعی؛

تغییر سهم دولت‌ها در تغییر ارزشها و نگرشها

تغییرها دو دسته‌اند. یکی ارزشهای ذاتی و دیگری ابزاری. ارزشهای ذاتی جزء
توسعه‌یافتنی‌ها هستند هر چند که غیر اقتصادی هستند نه ضد اقتصادی. توسعه
توسعه‌یافتنی‌ها آنقدر مهم است که نباید به ارزشهای اقتصادی آن بسنده کرد. توسعه
توسعه‌یافتنی‌ها یک فرایند فرهنگی است.

توسعه یا عدم توسعه از خارج به یک کشور تحمیل نمی‌شود بلکه این خود جامعه
است که توسعه یا عقب ماندگی را بر می‌گزیند.

پیش شرط‌های تحول
فرهنگی،

زیرا:

فرهنگ نوعی تضاد نژادی و یک جو تغییر ناپذیر را خلق می کند؛

فرهنگ و عملکرد اقتصادی بهم وابسته هستند، تغییر در یکی از آنها به تغییر در دیگری می انجامد؛

هنوز عادت های قدیمی رایج هستند فساد و جرم شایع می باشد، فرهنگ جنگ هنوز دیده می شود انتخاباتی در این زمینه صورت می گیرد ولی نتایج آنها هنوز نا مشخص است؛

در برابر این سؤال که وقتی متوجه می شویم که برخی از امور اشتباه هستند چکار می کنیم؟

یا از خود می پرسیم چرا این اشتباه را مرتکب شدیم؟

یا اینکه می پرسیم چه کسی در حق ما چنین کرد؟

سؤال دوم به نظریه توطئه و بد گمانی منجر می شود ولی پرسش اول سبب می شود به این بیاندیش چگونه می توانیم آن اشتباه را بر طرف کنیم.

در نیمه دوم قرن بیستم امریکای لاتینی ها نظریه بد گمانی و توطئه را برگزیدند در حالی که ژاپنی ها در دوم قرن نوزدهم از خود پرسیدند «چگونه می توانیم اشتباهات را بر طرف کنیم».

فرهنگ ریشه
تمایزها و
تفاوتهاست؟

فرهنگ و تجزیه و تحلیل ژانر

سیستم و ظرفیت خاص خود به سراغ مدرنیزه شدن رفتند؛

پیل روش کارآمدی حکومت خود؛

پیل درصد بالای معلومات و سوادشان؛

پیل ساختار مستحکم خانوادگی شان؛

پیل نظم و اصول اخلاقی کارشان؛

پیل هویت ملی شان؛

دلیل قدرت طلبی ذاتی شان، آماده پیشرفت و توسعه شدند

یکی از کتب درسی ژاپن در دهه ۱۹۳۰ آمده بود:

«دهه ترین روش تقویت حس وطن پرستی، نظم دادن به زندگی روزمره، کمک به نظم زندگی خانوادگی و انجام کامل وظایف شغلی است.»

این، می توان گفت: **درک عملکرد ژاپنیها از طریق درک فرهنگی سرمایه بانای امکان پذیر است.**

عوامل فرهنگ توسعه

ره علل و ریشه های توسعه در کشورها نقطه نظرات مختلف وجود دارد که معروف ترین آنها دیدگاه ماکس وبر است که با
عه مذاهب مختلف در اروپا و آسیا به این نتیجه رسید که روح سرمایه داری برآمده از آموزه های دینی برای مثال
حیثیت است که اشاره او به نقش دین در خلق یک انسان جدید یعنی انسانی عقلانی، منظم، نظم پذیر، سخت کوش و مولد
؛

ع اصلی در توسعه اقتصادی آن است که چگونه شرایطی را برای رشد پایدار و سریع بهره وری ایجاد کنیم.

کاهش فقر نیز باید ورودی ها، نهادها و مهارتهای خرد را جهت فراهم کردن شیوه های پیشرفته تر رقابت که ناشی از افزایش بهره وری
د، بهبود بخشید. اقدامات لازم برای تحقق این مسئله سرمایه گذاری خارجی، حفظ داراییهای فکری، افزایش استانداردهای قانونی
تقویت پیشرفت در کیفیت محصولات و تأثیر گذاریهای محیطی و توسعه ائتلافهای منطقه ای است.

بابی به سطح متوسط توسعه باید بر افزایش کیفیت کار و منابع انسانی، افزایش تقاضاهای داخلی، گسترش منابع علمی، تضمین رقابت
و توسعه زیر ساخت های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی تمرکز نمود.

پایدار نیازمند باورها، نگرشها و ارزشهای مولد کارگران، نهادهایی همچون نهاد دین و دانشگاهها و در نهایت جامعه مدنی می باشد. در
این صورت، حمایت های انجام شده فاقد سیاست های افزایش بهره وری خواهند بود که این فقدان صاحبان منافع را به چالش می
د.

حتی نمی توان از شرایط تأثیر گذار بر کل محیط کسب و کار و نهادهای یک جامعه ممانعت به عمل آورد. زیرا، روشی که مردم به
به آن در یک جامعه فعالیت می کنند توأم با علائم و مشوقهایی است که در نظام اقتصادی جامعه ای که در آن زندگی می کنند، خلق
اند. و اصول اخلاقی کار یک ملت را نمی توان از کل نظام های تشویقی اقتصاد آن کشور مجزا و درک کرد.

بهای مربوط به سیاستگذاری اجتماعی می توانند تأثیر قوی بر فرهنگ اقتصادی داشته باشند

آیا فرهنگ یک ج قابل تغییر است

هایی از شرایط و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی که می توانند یک فرهنگ مستقل اقتصادی را شکل دهند
د از شرایط اجتماعی شهروندان سالخورده، ضوابط مربوط به فعالیتهای شخصی و تعالیم مذهبی.

رتی می توان آن دسته از اعتقادات، شرایط و ارزشهایی که سازنده نیستند تغییر داد که دیگر تحت تسلط
رایج یا واقعیتهایی که شهروندان و شرکتهای آنها مواجهند، نباشند.

ن سه عامل فرهنگ، سیاست و نهادهای اقتصادی در توسعه تجربه و مطالعات متعدد نشان داده اند که
ضعیف شمال افریقا و خاورمیانه مؤید قدرت عامل فرهنگ است. اینکه کشورهای اسلامی علاوه بر شرایط
و جغرافیایی با موانع عمیق تر داخلی نیز در برابر توسعه اقتصادی مواجهند آیا می توان شواهدی
تجربه چین مؤید این است که علاوه بر فرهنگ، عوامل سیاسی و نهادهای اقتصادی نقش فعالی در قرنها
توسعه اقتصادی چین داشته اند.

- (۱) برنامه ریزی،
- (۲) سازماندهی،
- (۳) بسیج منابع و نیروها،
- (۴) هدایت و رهبری،
- (۵) کنترل و نظارت.

۱) تعیین هدف و یافتن یا پیش بینی کردن راه تحقق

۲) تصمیم گیری در خصوص اینکه چه کارهایی باید انجام
گردد

۳) تصور و طراحی وضعیت مطلوب، با دریافت و پیش بینی
راه ها و وسایلی که نیل به آن را میسر می سازد

۴) طراحی عملیات، برای تغییر شیء یا موضوع بر مبنای
الگوی پیش بینی شده

مدیریت برنامه ریزی

انواع برنامه ریزی:

- برنامه ریزی راهبردی (جامع)
- برنامه ریزی عملیاتی (اجرایی)

مراحل برنامه ریزی راهبردی:

- تعیین مأموریت و هدفهای دور برد و رسالت سازمان ؛
- تفکیک و تجزیه اهداف بلند مدت در قالب هدفهای کمی و کیفی کوتاه مدت؛
- تدوین و تنظیم خط مشی ها و اتخاذ سیاست های کلی؛
- طرح ریزی و تنظیم برنامه های عملیاتی (تاکتیکی)

مراحل برنامه ریزی عملیاتی:

- تدوین برنامه های کوتاه مدت (تنظیم بودجه و زمانبندی)؛
- تعیین معیارهای کمی و کیفی سنجش عملکرد و ارزیابی هزینه های اجرای عملیات؛
- ارزیابی برنامه ها و تعیین موارد عملکرد آنها؛
- تجدید نظر در برنامه ها و تهیه برنامه های جدید.

ع
به برنامه
عنوان
مدیریت



سطوح برنامه ریزی

- ۱) جوامع امروز با گسترش جهانی شدن مواجهند و این پدیده اگرچه همواره در طول دوره گذشته بیش و کم وجود داشته ولی امروز به علل و دلایل فراوان شرایط و روابط درونی جوامع را بشدت دستخوش تغییرات بیش از پیش ساخته است. از این روی توجه به مدیریت شرکتی نو ظهور در تمامی عرصه های زندگی ضروری و حتی الزامی شده است.
- ۲) کشورهایی که برای فرهنگ خود با هر رویکردی فاقد برنامه باشند یا رفته رفته تحت تأثیر فرهنگ های دیگر قرار می گیرند یا دچار شک و دو دلی می شوند و پویایی و تأثیر گذاری خود را در میان مدت و در دراز مدت از دست خواهند داد. بنابراین، کشورها باید برای خود برنامه های مشخص و تعریف و برنامه ریزی شده باشند تا بتوانند فرهنگ خود را در چنین هیاهوهای رسانه ای و بمباران های فکری و بطور کلی جهان پر آشوب مدیریت کنند.
- ۳) کشورهایی که از پشتوانه های فرهنگی قوی، پویا و میراث غنی تاریخی برخوردار هستند اهمیت توجه به مدیریت فرهنگی بسیار بیشتر می شود. ضرورت و اهمیت این توجه و اقدام آنجا بیشتر و بیشتر می شود که کشور دوره گذار از تحولات انقلابی خود را با آرمانهای عدل با دعاوی جدای از دیگر فرهنگی رقم می زند.

- سازماندهی فرایندی است که طی آن با تقسیم کار میان افراد و گروههای کاری و ایجاد هماهنگی میان آنها، برای کسب اهداف تلاش می شود. فرایند سازماندهی شامل مراحل زیر است:
- (۱) طراحی و تعریف کارها و فعالیت های ضروری؛
- (۲) دسته بندی فعالیت ها بر حسب مشاغل و منصب های سازمانی تعریف شده؛
- (۳) برقراری رابطه میان منصب های سازمانی برای کسب اهداف مشترک.

برای نیل به یک مدیریت سودمند و بهره ور باید اول رویکرد به فرهنگ روشن و تعریف شده باشد و دوم، باید تکلیف برن ریزان و سیاست گذاران نسبت به موارد زیر بیان و مورد توجه قرار گیرد:

- آیا خاستگاه فرهنگ انسانی است یا در ارتباط با امور اقتصادی و دیگر حوزه های مادی و حیات بشری تعیین می

- آیا فرهنگ به خودی خود اصالت دارد یا امری است تبعی؟

- آیا رابطه فرهنگ با دیگر حوزه ها یک سویه است یا دارای روابط متقابل و متعامل می باشد؟

- آیا فرهنگ را باید یک کلیت تام دید یا محدود به حوزه معانی نمادین یا فعالیت های هنری، فکری، و اخلاقی دان

- آیا فرهنگ یک امر سیال و تغییر پذیر دیده می شود و نسبت به تغییر خوش بین باید بود یا باید در برابر تغییر مقاومت کند و نسبت به تغییرات بد بین بود.

- نسبت فرهنگ با دیگر حوزه ها چگونه باید باشد و رابطه آن با حوزه های علم، اخلاق، هنر، دین و امثالهم چگونه تعریف می شود.

- آیا فرهنگ بطور طبیعی خود بسنده است و می تواند به حیات خود ادامه دهد یا نیاز به حمایت دارد و هدایت دا

- آیا رابطه فرهنگ و مبادلات فرهنگ ها امری طبیعی و مستقل از اراده و امیال انسانهاست یا تحت تأثیر منافع ج گروههاست.

تعریف: مداخله هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرآیند.

بر پایه این تعریف، برنامه ریزی فرهنگی می تواند کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمانیافته برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه های مختلف فرهنگی باشد.

• این تعریف مبتنی بر این **پیش فرضهاست:**

• - فرهنگ قابل برنامه ریزی است؛

• - برنامه ریزی با هدف حل مسائلی که احیاناً در فرهنگ وجود دارند انجام می شود

• - دولت نقش اساسی در فرهنگ دارد. بر این اساس باید در برنامه ریزی فرهنگی ایفا کند؛

• - برنامه ریزی فرهنگی در چارچوب مبانی نظری مشخص و طبق الگوهای فرهنگی موجود در جامعه صورت می گیرد.

- - برنامه ریزی فرهنگ: نگرش برنامه ای و مدیریتی به فرهنگ (برنامه ریزی برای فرهنگ)؛
- - برنامه ریزی فرهنگی: نگرش فرهنگی به برنامه ریزی (به کارگیری فرهنگ برای برنامه ریزی)
- در واقع برنامه ریزی فرهنگی (در معنای کلی) مبتنی بر مجموعه ای از اهداف و الگوهای پیش بینی شده است. به یک تعریف برنامه ریزی فرهنگی تلاشی آگاهانه برای تغییر نگرشها، اعتقادات، آداب و رسوم، ارزشها و هنجارهای نسبتاً پایدار و با دوام جامعه، مطابق خواست و الگوی ذهنی برنامه ریز تلقی می شود.
- برنامه ریزی فرهنگی (در معنای محدود) تلاش آگاهانه و سنجیده برای تغییر فعالیتهای و محصولات فکری و هنری در راستای دستیابی به اهداف مطلوب و مورد خواست برنامه ریز یا برنامه ریزان است.
- در این معنا برنامه ریزی عبارتست از: تخصیص منابع، توزیع یارانه ها و امکانات عمومی برای مجموعه ای از فعالیتهای هنری تشویق شده و طراحی شده (تماشاخانه ها، گالری ها، موزه ها، تالارهای کنسرت، مراکز هنری و رسانه ای، نمایش فیلم و حمایت از هنرمندان و کارکنان فرهنگی).
- نتیجه اینکه: متناسب با تعریف فرهنگ، تعریف برنامه ریزی تغییر می کند.

برنامه ریزی فرهنگی می تواند امکان به کار گیری دقیق تر مدیریت ها، سازمانها و طراحی اقدام ها و فعالیت های فرهنگی را فراهم آورد.

نظام فرهنگی هم زمان دارای دو کارکرد محوری متناقض نمای به شرح زیر است:

- تغییر و نو آوری اجتماعی؛

- تداوم اجتماعی.

بنابر این، ضرورت برنامه ریزی فرهنگی در دو چیز است: یکی در تغییر و دیگری در تداوم.

در مورد ضرورت توجه به برنامه ریزی فرهنگی، عمدتاً دو دیدگاه یکی امکان برنامه ریزی فرهنگی و دیگری عدم امکان آن وجود دارد. عده ای که مخالف برنامه ریزی فرهنگی هستند استدلال می کنند که اتخاذ سیاست فرهنگی مشخص، تهدیدی علیه آزادی انتخاب فرد و توسعه تجاری است. بنابراین ضرورتی برای برنامه ریزی آن بینند. زیرا از نظر اینان فرهنگ مقوله ای کیفی و حاصل زندگی عده ای کثیر از مردم در یک شرایط مشابه و در مدت زمان نسبتاً طولانی است و در نتیجه نمی توان و را از امر متعالی و کیفی به زمین خاکی و عالم انسانی برنامه ریزی تنزل داد.

مخالفت با برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی به دلایل زیر می باشد(در امریکا):

- تنظیم سیاست های هماهنگ در این عرصه بر فعالیت سازمان های خصوصی تأثیر مختل کنند

- سیاست گذاری فرهنگی دولت باعث مداخله نابجای دولت در توسعه فرهنگی می شود.

- این مداخله بر لزوم تبعیت دولت در عرصه فرهنگ از بخش خصوصی تأثیر منفی دارد.

برعکس، اما آنهایی که موافق سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی هستند استدلال می کنند که برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگی نه تنها امری میسر و شدنی است بلکه آنرا الزامی و اجتناب ناپذیر می دانند. به حساب می آورند

گاههای
ملف در
برنامه
نگی

برنامه ریزی فرهنگی می تواند امکان به کار گیری دقیق تر مدیریت ها، سازمانها و طراحی اقدام ها و فعالیت های فرهنگی متناسب با اهداف و اولویت ها را فراهم کند. علاوه بر آن ضرورت برنامه ریزی اصولاً در دو چیز است:

- کارکرد دو گانه و متناقض آمیز فرهنگی یعنی کارکرد تغییر و تداوم

- جوامعی که دوره گذار را طی می کنند و تحولات سریع و ناهمگون

نابرابر را تجربه می کنند ، همزمان احتیاج به نظم و تغییرات همگون و جهت دار دارند

در نتیجه در این رویکرد تاکید دارد که برنامه ریزی و مداخله یک امر تهدید کننده از انتخاب فرد نیست و چنانچه در مواردی چنین اتفاقی بیافتد اصولاً از آن گریزی نیست

۱- یکسان سازی فرهنگی. که به طراحی مهندسی ارزش ها، هنجارها و رفتارها در عرصه اجتماعی می پردازد. پیش فرض این است که جامعه باید همبسته باشد و بر منظومه ای از ارزش ها توافق داشته باشند.

در این رویکرد وجود تنوع خرده فرهنگها در جمعیت انبوه، گسترش تخصص ها، رشد علم و فناوری، سرعت اطلاعات در عرصه گوناگون جامعه، مهاجرت و تحرک روانی جمعیت و بالاخره پویایی بالای اجتماعی نسبت به گذشته و ... مانع یکسان سازی فرهنگی شوند.

همچنین ، اجتماع فرهنگی به هنگام مواجهه با خطر دچار وحشت و نگرانی می شود، اختلافات درونی را فرو می نشاند، تماس فرهنگ ها را به حداقل می رساند و راست آیینی بنیاد گرایانه ای را رواج می دهد که موجب تجزیه بزرگتر و تضعیف وحدت و انسجام می شود.

۲- تکثر گرایی فرهنگی. در جوامعی که تکثر گرایی فرهنگی وجود دارد نسبی گرایی فرهنگی حاکم است و هیچ اصل یا ارزش وجود ندارد.

با همه این احوال تجربه نشان داده که امکان توفیق الگوی تکثر گرایی فرهنگی بسیار کم است. در این خصوص کشورهای در حال توسعه یا فقیر به دلیل تنوع قومی و خرده فرهنگ های فراوان با مشکلات عدم انسجام روبرو هستند و نیازمند این هستند تا با آگاهی جمعی برسند و هویت مشترک ملی خود را تقویت کنند.

۳- وحدت در تکثر فرهنگی. زبان نقطه اتکا وحدت نمادی و چارچوب فراگفتمانی جامعه است . بنابراین چنین وحدتی بر فرض زیر می باشد:

- وجود ملتی یا اجتماعی از نظر فرهنگی کاملاً مشترک ناممکن است.

- حیات فردی از حیات اجتماعی در نوع انسان جدایی ناپذیر است.

- وحدت در سطح اجتماعی همواره امری نسبی می باشد.

- جهت کل اجتماعات انسانی و فرهنگی به سوی وحدت است.

- و موارد دیگر

الگوها، هدف ها و راهبردهای فرهنگی

راهبردهای فرهنگی	هدف	الگوهای فرهنگی
تأکید بر یگانه سازی و یک شکلی فرهنگی و سرکوب خرده فرهنگ ها	کنترل فرهنگی	وحدت فرهنگی
به رسمیت شناختن خرده فرهنگ ها و فراهم نمودن امکان رشد و گسترش آنها	وحدت نمادی	تکثر گرایی فرهنگی
تأکید بر اشتراکات فرهنگی در کنار به رسمیت شناختن تنوع و تکثر	وحدت نمادی و کنترل فرهنگی	وحدت در کثرت فرهنگی

پارادایم های اصلی در برنامه ریزی فرهنگی

سرمشق	معیارهای ارزیابی	روش شناسی	قلمرو عمل	روش عمل
ارمان شهر گرا	تعبیر ایدئولوژیک از دین	برنامه ریزی بلند مدت (عقل گرایی مبتنی بر ارزش)	فراگیر - همه گیر	اقدام در سطح جامعه به عنوان یک کل تجربه ناپذیر
واقع گرا	خواسته ها و تمایلات افشار مختلف (رضایت همه افراد)	تحلیل هزینه - فایده	گزینش تجربی مواضع مناسب برای عمل	آزمون و خطا و تجربه مداوم
راهبردی	تمایلات و خواسته های افشار مختلف و ناسازگار	تحلیل سیستمی و نظریه پردازشی ها	اقدام در هر کجا که تعاون نیروهای مختلف اجازه دهد	بهره گیری از روابط قدرت
توسعه گرا	ارزش های عمومی، فرهنگی و فرهنگ توسعه	گزینش در پرتو نظریه و الگو سازی فنی	اولویت گروه های حساس اجتماعی (جوانان، زنان و ...)	مشاوره، گفتگو و سازگاری جمعی

دو رویکرد عمده میزان و نحوه دخالت دولت در برنامه ریزی فرهنگی :

الف- حمایت یا دخالت حداکثری در امر برنامه ریزی فرهنگی. در این رویکرد دخالت های دولت در برنامه ریزی فرهنگی رسمیت

شناخته می شود؛

ب- متولی گری یا شیوه ای که باور به حمایت دولت از فعالیتهای و امور فرهنگی و نظارت بر آنها را دارد. به عبارت دیگر رویکرد

نقش دولت محدود به حمایت و نظارت می شود.

سؤال در اینجا این است که حدود دخالت دولت چگونه تعیین می شود؟ و آیا یک دولت باید ناظر باشد یا متصدی؟

و جایگاه

محصولات فرهنگی

صنایع فرهنگی

محصولات قابل باز تولید انبوه

خدمات فرهنگی

محصولات فرهنگی غیر قابل باز تولید

صنایع مرتبط

نرم افزار

موبایل

بازی های رایانه ای

انیمیشن

اسباب بازی

چاپ و نشر

کتاب

الگوهای کنش

تولید رسانه ای

صنعت سینما و فیلم

صنعت موسیقی

صنایع ضبط و پخش

صنعت تبلیغات

صنعت گردشگری

میراث فرهنگی

صنایع فرهنگی

صنایع فرهنگی

صنایع فرهنگی

پویانمایی	موبایل	نرم افزار	خدمات فرهنگی			چاپ و نشر		تولیدات رسانه‌ای			محصولات غیر باز تولید				
			نرم افزار	میراث فرهنگی	گردشگری	تبلیغات	نشریات	کتاب	تولیدات تلویزیونی	موسیقی	سینما	هنرهای نمایش	صنایع دستی		
														خلاقیت	
														تولید	
														توزیع دارانه	
														اشتغال	
														مصرف شرکت	
														هزینه (زمانی مالی)	
														آموزش	
														صادرات	
														واردات	
														دولتی	
														خصوصی	ری
														مستقیم	
														غیر مستقیم	

با تشکر از حوصله شما عزیزان